

جایگاه و نقش قهرمان پروبلماتیک در رمان‌های رئالیستی فارسی

سید رزاق رضویان

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

چکیده

با ظهور رنسانس و انقلاب صنعتی در اروپا، رمان به سبب برخورداری از قابلیت نشان دادن واقعیت‌های زندگی، جای حماسه را می‌گیرد و در نیمه اول قرن بیستم، جورج لوکاک، رمان‌های رئالیستی را به عنوان اصلی‌ترین شکل اثر ادبی همخوان با جامعه بورژوازی مطرح می‌کند. پس از او پیرو و همفکرش، لوسین گلدمن، نیز هر اثر سازگار با رئالیسم را اثری ارزشمند می‌داند؛ بنابراین با توجه به دیدگاه‌های این دو مارکسیست، در رمان‌های رئالیستی جوامع سرمایه‌داری افرادی وجود دارند که به سبب پای‌بندی به اصول و ارزش‌های راستین پروبلماتیک (مسئله دار) اند. قهرمان پروبلماتیک منتقد و مخالف جامعه است و به این سبب به حاشیه رانده می‌شود. در یک کلام او، فردی مسئله‌دار، بی‌آینده، معترض و پرمشکل است که در جهانی تباه جویای ارزش‌های کیفی و اصیل انسانی است. رمان‌های رئالیستی غرب و به تبع آن رمان‌های رئالیستی فارسی نیز، با توجه به قرار گرفتن در یک دوره حقیقتاً رمانی و داشتن چنین شخصیت‌هایی، شاخصه‌های رمان پروبلماتیک را دارند. در این پژوهش ضمن توضیح و تبیین قهرمان پروبلماتیک، جایگاه و نقش آن در رمان‌های رئالیستی معاصر فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نمونه‌هایی از این رمان‌ها معرفی می‌گردند.

واژگان کلیدی: قهرمان پروبلماتیک، رمان رئالیستی، رمان معاصر، ادبیات داستانی

مقدمه

پروبلماتیک (problematic) که در زبان فارسی به مسئله‌دار، مشکل‌آفرین، بغرنج و غیرقابل پیش‌بینی ترجمه شده‌است، با اینکه در حوزه‌های علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی کارکردی فراوان دارد، اما در ادبیات به دلیل محدود و جزئی بودن چندان شناخته‌شده و پرکاربرد نیست. معنای لغوی این واژه در مباحث علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، مسئله و معضل است. اما در اصطلاح شکلی خاص از نگرش به پدیده‌های جهان است و دربرگیرنده نظریه‌ها، روش‌ها، مفاهیم و فرضیه‌های گوناگون است. به باور لویی آلتوسر (L. Althusser)، پروبلماتیک عبارت است از «شبکه تئوریک-سیستماتیکی برای طرح هر نوع پرسش». به دیگر سخن، برپایه یک چنین تعریفی پروبلماتیک، آن ساختار پیچیده و پنهانی است که موضوعات و پرسش‌های مهم را از سایرین متمایز می‌سازد (مشایخی، ۱۳۸۰: ۱).

در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی نظریه لویی آلتوسر (۱۹۱۸-۱۹۹۰) حاکم است، اما در حوزه ادبیات این مفهوم از برساخته‌های جورج لوکاچ (G. Loukach) است. او در سال ۱۹۲۰م، برای اولین بار قهرمان پروبلماتیک را مطرح می‌کند. این قهرمان چه در جامعه و چه در تقابل با جهان در رمان متجلی می‌شود، چه رمان میان تراژدی و شعر غنایی، از یک سو و حماسه و قصه در سوی دیگر جای دارد. آنچه صورت درونی رمان را تشکیل می‌دهد پیش‌روی تدریجی به سمت انسان مسئله‌دار است. او این مفهوم را از پیامدهای جامعه سرمایه داری می‌داند. پس از لوکاچ، لوسین گلدمن (L. Goldman) این اصطلاح را به شکلی کارآمدتر و عینی‌تر در کتاب جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان) شرح و تحلیل می‌کند. در سطرهای بعدی سعی خواهیم کرد، قهرمان پروبلماتیک را از دیدگاه این دو بررسی کنیم و این مفهوم را در رمان‌های فارسی مورد بررسی قرار دهیم. در بررسی دیدگاه‌های لوکاچ و گلدمن نگارنده به این نتیجه می‌رسد که با توجه به تعلق خاطر این دو، به مکتب مارکسیست و اشتراکات ایدئولوژیکی، در اصل و بنیان این مفهوم تفاوت اساسی در عقاید آنان یافت نمی‌شود. به‌خصوص گلدمن به سبب علاقه به لوکاچ این مفهوم را پذیرفته و آن را بسط و گسترش می‌دهد و افزون بر آن با ساختارهای اقتصادی حاکم بر جامعه انطباق می‌دهد.

قهرمان پروبلماتیک از دیدگاه لوکاچ (۱۸۸۵-۱۹۷۱)

رمان متعلق به جهانی است که ساختار ذهنی آن به کلی با ساختار ذهنی جهان سنتی متفاوت است. رمان قالب ادبی جهان سرمایه‌داری است. از نظر لوکاچ، رمان شرح فراق است، شرح دورماندن از خانه است، شرح

بی‌خانمانی استعلایی فرد است. هم جان تباه است و هم جهان و وضع آرمانی دنیای حماسه و باستان دیگر دست‌یافتنی نیست؛ بنابراین نه در دوران باستان رمانی شکل می‌گیرد و نه در دوران فئودالی، اما می‌توان رمانی درباره آنها نوشت. رمان، حماسه دوران بورژوازی (bourgeois) است ولی حماسه‌ای که برخلاف همتایان کلاسیک خود بی‌خانمانی و بیگانگی انسان را در جامعه مدرن روایت می‌کند. رمان مهم‌ترین شکل ادبی دوران مدرن است. «رمان اصلی‌ترین شکل ادبی همخوان با جامعه بورژوازی است و تحول آن با تاریخ این جامعه پیوند تنگاتنگی دارد» (لوکاچ، ۱۳۸۰: ۱۸۲). بنابراین در جامعه مدرن، رمان نشان می‌دهد که آدمی و جهان هر دو اسیر تباهی و کذب‌اند.

جامعه‌ای که محمل شکل ادبی رمان است از گسیختگی جان و جهان رنج می‌برد و قهرمان مسئله‌دار رمان به دنبال کلیتی است که از واقعیت زندگی گریخته‌است (اباذری، ۱۳۷۷: ۱۸۷).

قهرمان حماسه، اجتماع است در حالی که قهرمان رمان، فرد است. فردی که خاستگاه او بیگانگی انسان مدرن با جهان بیرون است. لوکاچ به‌طور کلی اصطلاح «فرد پروبلماتیک» را برای توصیف قهرمان رمان به کار می‌برد. فرد پروبلماتیک جستجوگر است و آنچه او می‌جوید، خود اوست. سفر او از اسارت در واقعیتی که برایش هیچ معنایی ندارد، شروع می‌شود و به معرفت نفس می‌انجامد. ایده‌آل او آن است که زندگی‌اش به زندگی راستینی تبدیل شود. در جهان سرمایه‌داری انسان یکه و تنهاست و این فردگرایی پیشرفته در این دوران، عامل پدیدآمدن رمان مدرن است. انسان پروبلماتیک (مسئله‌دار) در تعارض با جهان زندگی می‌کند و بزرگی او در همین است. آرمان‌های او اگرچه کاذب‌اند، دست‌کم می‌توانند نارسایی واقعیت موجود را آشکار کنند. این آرمان‌ها بیانگر اشتیاق نوستالوژیک (nostalgic) آدمی برای عصری است که در آن کلیت به نحوی بی‌میانی در زندگی حضور دارد.

لوکاچ براساس رابطه میان قهرمان رمان و جهان سه شکل برای رمان غربی در نظر می‌گیرد:

۱- رمان «ایده‌آلیسم انتزاعی» که با پویایی قهرمان و آگاهی بسیار محدود او نسبت به پیچیدگی جهان، مشخص می‌شود. (دن‌کیشوت، سرخ‌وسپاه)

۲- رمان «روان‌شناختی» که به بررسی زندگی درونی اشخاص می‌پردازد و با انفعال قهرمان و آگاهی بسیار گسترده او مشخص می‌گردد، بدین معنی که او به آنچه دنیای مرسوم می‌تواند در اختیارش بگذارد، دل‌خوش نمی‌دارد (اوبلوموف از گنچاروف و پرورش احساساتی از گوستاوفلوبر).

۳- رمان آموزشی که به نوعی خودبازدارندگی می‌انجامد، خودبازدارندگی‌ای که گرچه از جستجوی پروبلماتیک دست می‌کشد، این نه در حکم پذیرش جهان مرسوم است و نه به معنای دست‌کشیدن از مقیاس ضمنی ارزشهای راستین. این خودبازدارندگی با عبارت «پختگی مردانه» تعریف می‌شود. (رمان‌های ویلهلم مایستر از گوته، هانری سباز از گوتفرد کالر) (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۱-۲۲).

لوکاچ رئالیسم را تنها نوع ادبی می‌داند که باید به آن بها داد. زیرا هرگاه ادبیات داستانی به نحله رئالیسم نزدیک‌تر شده، بهتر توانسته‌است زیرساخت جامعه، تأثیرگذاری آن بر سطوح مختلف مردم و نحوه دگرذیسی آن را نمایان سازد. لوکاچ تنها رمان قهرمان پروبلماتیک را رمان به معنای واقعی می‌داند. او بالزاک را رمان‌نویس واقعی می‌داند و معتقد است او آخرین کوشش‌ها در برابر به تباهی کشیده‌شدن انسان به دست سرمایه‌داری را توصیف می‌کند. در نتیجه بسیاری از منتقدین معتقدند که لوکاچ با بی‌توجهی به ادبیات مدرنیستی زمان خودش نشان می‌دهد که نسبت به ادبیات نگاه کاملی ندارد و از سوی دیگر در نقدهایش رویکردی ایدئولوژیک دارد.

قهرمان پروبلماتیک از دیدگاه گلدمن (۱۹۱۳-۱۹۷۰)

گلدمن با مطالعه کتاب‌های «نظریه رمان اثر گئورگ لوکاچ» و «دروغ رمانتیک و حقیقت رمانی اثر رنه ژیرار» به این نتیجه می‌رسد که میان ساختار کلاسیک رمان و ساختار مبادله در اقتصاد آزاد همخوانی و پیوندی عمیق وجود دارد. از نظر لوکاچ و ژیرار (Girard.R)، رمان، سرگذشت قهرمان پروبلماتیکی است که در جهانی تباه به جستجوی تباه ارزش‌های راستین می‌پردازد. لوکاچ این جستجو را «اهریمنی» نامیده‌است و ژیرار «تعصب‌آمیز و بت‌پرستانه». گلدمن معتقد است که امکان ندارد ارزش‌های راستینی که لوکاچ و ژیرار در نظر دارند، به صورت اشخاص آگاه یا واقعیت‌های عینی و آشکار در اثر ادبی حضور یابند، بلکه این ارزش‌ها فقط در ذهن رمان‌نویس و به صورت انتزاعی و در قالب مفاهیم وجود دارند و در آنجا، خصلتی اخلاقی به خود می‌گیرند. به این ترتیب اندیشه‌های انتزاعی و ذهنی جایی در اثر ادبی ندارند. پس برای اینکه این ارزش‌های انتزاعی به صورت عنصر اساسی درآیند، باید با واقعیت‌های اجتماعی پیوند برقرار کنند. زیرا در نظر گلدمن فرم رمانی، درواقع، برگردان زندگی روزمره در عرصه ادبی است، برگردان زندگی روزمره در جامعه فردگرایی که زاده تولید برای بازار است.

او به این نتیجه می‌رسد که لوکاچ و رنه ژیرار بی‌اعتنا به ساختار مبادله و اقتصاد بودند و اقتصاددانان نیز فقط توجه به ماهیت کالا، مبادله و تولید داشته‌اند. در نتیجه، این پرسش مطرح می‌شود که چرا تکامل بورژوازی و جامعه بورژوازی دقیقاً نوع ادبی رمان را آفریده‌است؟ پاسخ آن را جز در چهارچوب نظرگاهی مبتنی بر مفهوم همخوانی ساختارهای ادبی و مبادله، روشن شدنی نمی‌داند (گلدمن، ۱۳۸۱: ۳۲۴).

درنهایت با استفاده از بحث همخوانی ساختارهای اثر ادبی و ساختارهای ذهنی گروه اجتماعی، نظریه همخوانی انواع رمان با مراحل تکامل سرمایه‌داری را تدوین می‌کند:

- ۱- سرمایه‌داری آزاد (لیبرال) که با رشد خردگرایی و آزادی عمل و ابتکار و اقدام فردی مشخص می‌شود.
- ۲- پیدایش سرمایه‌داری انحصارها که حذف هرگونه اهمیت اساسی فرد و زندگی فردی در درون ساختارهای اقتصادی و در نتیجه در مجموعه زندگی اجتماعی را در پی دارد.
- ۳- گسترش نظام‌های دخالت دولتی و ساختارهای تنظیم خودکار که به حذف هرگونه ابتکار فردی یا گروهی منجر می‌شود. نخستین مرحله، با رمان فرد مسئله‌دار همراه است. دومین مرحله، با حذف قهرمان مسئله‌دار مشخص می‌شود و سومین مرحله، دوره محو قهرمان در رمان نو است (گلدمن، ۱۳۷۱: ۱۲۹).

ویژگی‌های فرد پروبلماتیک (انسان مسئله‌دار) از دیدگاه گلدمن

- ۱- زندگانی و ارزش‌هایش، او را در برابر مسائلی حل‌نشده قرار می‌دهند.
- ۲- در حاشیه جامعه قرار می‌گیرد.
- ۳- قهرمان پروبلماتیک در رمان، برخلاف حماسه یا افسانه، نمی‌تواند هیچ پیوندی میان خود و جهان بوجود آورد.
- ۴- بی‌آنکه بتواند اندیشه و رفتار خود را از میانجی تباه‌گری که بر مجموعه ساختار اجتماعی تأثیر عام دارد، به تمامی در امان بدارد، تابع ارزش‌های کیفی است.
- ۵- منتقد و مخالف جامعه است.

پیوند ساختار رمان با ساختار مبادله و بازار آن‌چنان واقعی و تأثیرگذار است که با تغییر ساختارهای بازار، ساختار رمان‌ها نیز تغییر می‌کند. در جوامع بورژوازی و سرمایه‌داری انسان‌ها به شی‌وارگی تبدیل می‌شوند و ارزش‌های فردی و پول و اقتصاد در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرند. البته تحلیل مارکسیستی در جوامع

غربی نارساست. پرولتاریای غربی نه تنها با جامعه شی‌واره بیگانه نمانده و به مثابه نیروی انقلابی در مقابل آن نایستاده، بلکه برعکس تا حد زیادی با آن درآمیخته‌است.

رنالیسم

رنالیسم به معنی واقع‌گرایی، از ریشه *real* به معنی واقعی و حقیقی است که این واژه نیز، از ریشه *res* به معنی «چیز» است و برساخته‌ای از آن نیز به صورت شزیسم یا چیزگرایی را به کار برده‌اند (گرانت، ۱۳۷۹: ۵۶). برای رنالیسم تعاریف بسیار گفته شده‌اند، مویاسان می‌گوید: «کشف و ارائه آنچه انسان معاصر واقعاً هست» (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۷۸). رنالیسم تعبیر فلسفی دیرپایی است که معنای آن اعتقاد به واقعیت اندیشه‌ها بود و در برابر مشرب اصالت وجود اسمی قرار داشت که پیروانش آن اندیشه‌ها را جز نام یا امر انتزاعی تلقی نمی‌کردند. (ولک، ۱۳۷۷: ج ۱/ ۴: ۱۱). رنالیسم یعنی نمایاندن زندگی آن چنان که هست (پرهام، ۱۳۴۵: ۲۹).

رمان رنالیستی، از سال‌های واپسین عصر باروک، علیه دنیای زیبا و جذاب رمان‌های ایدآلیستی قیام کرده تا بتواند، حقیقت جهان پیرامون را آن‌گونه که هست به تصویر کشد (علوی، ۱۳۸۳: ۱۵) اگر بخواهیم به دوران گذشته باز گردیم، رنالیسم را باید در اندیشه‌های افلاطون و ارسطو جست‌وجو کنیم. رنالیسم به‌عنوان مکتب ادبی، پیش از هر جای دیگر در فرانسه به میان آمد، اما پایه‌گذاران مکتب ادبی رنالیسم نویسندگان بزرگی که امروزه ما می‌شناسیم نبودند، بلکه نویسندگان متوسطی بودند که اکنون چندان شهرتی ندارند. این نویسندگان عبارت بودند از: شانفلوری، مورژ و دورانتی (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۲۷۳). سرانجام در قرن نوزدهم با قیام بالزاک و استاندال و نویسندگان دیگر نظیر فلوربر، تولستوی، دیکنز و داستایوسکی مکتب رمانتیسم رخت بریست و رنالیسم به مهم‌ترین جریان ادبی قرن نوزدهم تبدیل شد.

ادبیات رنالیستی طبعاً موضوع خود را جامعه معاصر و ساخت و مسائل آن قرار می‌دهد: یعنی جامعه‌ای وجود دارد و اثر ادبی را مجبور می‌سازد که به بیان و تحلیل آن پردازد (سید حسینی، ۱۳۸۷: ۲۸۰). نویسنده رنالیست لزومی نمی‌بیند که فرد مشخص و غیرعادی را به‌عنوان قهرمان داستان خود انتخاب کند. او قهرمان خود را از میان مردم و از هر محیطی که بخواهد گزینش می‌کند و این فرد در عین حال نماینده هم‌نوعان

خویش و وابسته به جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند، او امکان دارد نمونه برجسته گروهی از مردمان باشد ولی فردی خاص و غیرعادی نیست.

گلدمن بر این باور است که اشخاص پروبلماتیکِ رمان نویس، از میان قشر متوسطی برخاسته‌اند که در شرایطی خاص دچار «نارضایتی عاطفی مفهوم‌بندی نشده و اشتیاق عاطفی به دستیابی مستقیم به ارزش‌های کیفی» شده است و رمان محصول این وضعیت خاص و جهت‌گیری خاص است (گلدمن، ۱۳۸۱: ۳۳۳).

قهرمان پروبلماتیک در رمان‌های رئالیستی انتقادی و سوسیالیستی، عملکردی متفاوت‌تر از شخصیت‌های دیگر دارد. او از محیط خویش جلوتر است و برای رسیدن به وضع اجتماعی تازه‌ای تلاش می‌کند. با وضع موجود در نبرد است و برای تغییر آن می‌کوشد.

در این پژوهش نقش قهرمان مسئله‌دار (پروبلماتیک) با توجه به دیدگاه‌های لوکاچ و گلدمن به صورت کلی در چند رمان رئالیستی فارسی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

قهرمان پروبلماتیک در رمان‌های رئالیستی فارسی

اواخر دوره قاجار و دوران حکومت پهلوی، به سبب فضای اجتماعی و سیاسی خاص خود در تاریخ ایران، شرایطی را به وجود آورده بود که اکثر رمان‌نویسان سرشناس به نوشتن رمان‌های رئالیستی روی آورده بودند. خفقان، استبداد، گسترش تفکر سرمایه‌داری و بی‌عدالتی‌های موجود در ساختار جامعه، شرایط را برای یک دوره حقیقی رمان‌نویسی براساس دیدگاه‌های لوکاچ و گلدمن آماده کرده بود. برای نمونه می‌توان از رمان‌های تنگسیر صادق چوبک، مدیر مدرسه جلال آل احمد، همسایه‌های احمد محمود، سووشون سیمین دانشور، چشم‌هایش بزرگ علوی، هما محمد حجازی و سال‌های ابری علی‌اشرف درویشیان نام برد. این رمان‌ها علیرغم یکسان نبودن شاخصه‌های رئالیستی‌شان و تفاوت در عناصر داستان و شیوه پرداخت قهرمانان، به دلیل داشتن قهرمان مسئله‌دار، دارای وجوه مشترک‌اند. همچنین این قهرمانان علیرغم تفاوت‌های فردی، موقعیت و جایگاهشان در داستان‌ها، در کلیت و آرمان‌های زندگی اشتراکات فراوان دارند. آنان در جامعه‌ای قرار دارند که فضایل اخلاقی جایگاهی ندارند.

در این رمان‌ها به ترتیب: شیرمحمد، مدیر، خالد، یوسف، فرنگیس، حسنعلیخان و شریف انسان‌های مسئله‌داری‌اند که در برابر جامعه تباه اظهار وجود می‌کنند. شخصیت‌هایی برجسته و برتر از محیط خود. بزرگی آنان در این است که در تعارض با جامعه خود هستند. شرایط نابسامان، آنها را به انسان‌های پروبلماتیکی

مبدل ساخته‌است. در جامعه‌ی ایشان کلیه‌ی ارزش‌ها با کمیت و پول دست یافتنی است. جستجو برای فضیلت، افتخار و شهرت تلاشی حقیر و بی‌ارزش است.

در جامعه‌ای که ملاکش طلاست، روح نسبت به خود غریبه می‌شود و هرچیزی در واقع عکس آن است که می‌نماید (هیپولیت، ۱۳۷۱: ۱۶۱). چنین جامعه‌ای در حال زوال است و فرهنگ در آن جایگاهی ندارد و این حالت‌ها نشانه‌ی آن است که جامعه جوهریت خود را از دست داده‌است. این قهرمانان نمی‌توانند پیوندی چندان عمیق میان خود و جامعه‌ی موجود داشته‌باشند. گلدمن می‌گوید: «رمان آن نوع حماسی است که برخلاف حماسه یا افسانه با گسست رفع‌نشده‌ی میان قهرمان و جهان، مشخص می‌شود. در واقع گسست قاطع و صرف، به تراژدی یا به شعر غنایی می‌انجامد، نبود گسست یا وجود گسست صرفاً تصادفی به حماسه یا افسانه می‌رسد. رمان که در میان تراژدی و حماسه واقع شده، دارای ماهیتی دیالکتیکی است زیرا که از یک سو اتحاد بنیادین قهرمان و جهان را که لازمه‌ی همه‌ی صورتهای حماسی است، و از سوی دیگر، گسست رفع‌نشده‌ی آنها را دربردارد. اتحاد قهرمان و جهان حاصل آن است که هم قهرمان و هم جهان، درمقایسه با ارزشهای راستین، تباه هستند. تقابل میان قهرمان و جهان، نتیجه‌ی تفاوت ماهوی میان هریک از این دو تباهی است» (گلدمن، ۱۳۷۱: ۲۱-۲۰).

فقر فرهنگی و اقتصادی به دیگر شخصیت‌های پیرامون آنان اجازه نمی‌دهد تا از حد آدم‌های عادی فراتر روند و بر شی‌وارگی خود چیره شوند و فرصتی برای اندیشیدن به مفاهیم متعالی داشته‌باشند، درحالی‌که قهرمان پروبلماتیک مشغله یا معمایی برای اندیشیدن دارد. تلاش برای دیگرگونه بودن دغدغه‌ی اوست. ایشان تنها راه بهبود شرایط زندگی آدم‌های پیرامونشان را در مبارزه می‌دانند. شخصیت آنها توصیف خط‌مشی افرادی است که در جستجوی تمامیت، کلیت پنهان و هویتی‌اند که تصور آنها را عمیقاً در ذهن دارند. از آن‌جا که هیچ معیار مشترک و هیچ واسطه‌ی ممکن میان ذهنیت ایشان و جامعه تباه حاکم وجود ندارد جسارت آنها نیز محکوم به شکست می‌شود (زافا، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

ارزش‌های راستین آنها با عرف و ساختار جامعه سازگار نیست. ایشان قربانی شکاف میان آرمان و واقعیت‌اند، قربانی انواع ستیزها و تضادها هستند. به قول لوکاچ جهان به مثابه‌ی کلیتی از هم پاشیده‌است، بین قهرمان و جهان کلیت و ارزش‌های کیفی، جدایی ایجاد شده‌است. در نهایت قهرمانان سرنوشتی تباه دارند. ساختار چنین جوامعی مانع می‌شود که انسان بتواند به ارزش‌های کیفی دست یابد. وضعیت قهرمانان در داستان‌ها شبیه وضعیت زنبوری است که پشت یک شیشه گیر کرده‌است. او متوجه هست که بیرون شیشه جهان

ارزش‌های کیفی و جهان آزادی است، اما درک نمی‌کند که چیزی نامرئی حایل بین او و جهان حقیقی است. آن‌قدر تقلا می‌کند و بالا و پایین می‌رود که عاقبت شما جسد او را پشت شیشه پیدا خواهید کرد. او متوجه نیست که چه سازوکاری مانع دستیابی او به رهایی می‌شود (پرستش، ۱۳۸۸: ۲).

در همهٔ این رمان‌ها میانجی‌های متعددی وجود دارد که با حضور آنها، شاهد پیشرفت تباهی و دوری قهرمانان از استعلای عمودی هستیم. این میانجی‌ها عناصر و شخصیت‌های منفی این رمان‌ها هستند. در فرجام همهٔ این رمان‌ها، قهرمانان از تحقق ارزش‌ها و معیارهای آرمانی خود ناامید می‌شوند و به حاشیه رانده می‌شوند و یا اینکه کشته می‌شوند. این ناامیدی همان «پختگی مردانه» لوکاچ و گلدمن است. از نظر آنها پختگی مردانه در رمانی مشاهده می‌شود که با خود بازدارندگی قهرمان به پایان می‌رسد. قهرمانان این رمان‌ها با توجه به وضعیت حاکم بر جامعه از تلاش خود دست برمی‌دارند، اما معیارهای اجتماع موجود خود را نیز نمی‌پذیرند. همهٔ این رمان‌ها، با توجه به دسته‌بندی لوکاچ از رمان، در حوزهٔ رمان‌های آموزشی قرار می‌گیرند. این قهرمانان درعین حفظ آرمان‌ها و خواسته‌هایشان به این نتیجه می‌رسند که تحقق آنها در شرایط کنونی جامعه، امکان‌پذیر نیست و هیچ گروه اجتماعی تکیه‌گاه و حامی آنها نیست.

نتیجه‌گیری

قهرمان پروبلماتیک از یافته‌های لوکاچ و گلدمن است که در رمان‌های رئالیستی حضوری پررنگ و فعالانه دارد. بسیاری از رمان‌های دوران حکومت پهلوی، به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه در گروه رمان‌های رئالیستی انتقادی و سوسیالیستی قرار می‌گیرند و به سبب انطباق این رمان‌ها با شاخصه‌های رئالیسم، خصلت رمان‌های پروبلماتیکی پیدا می‌کنند و مشخصه‌های قهرمان پروبلماتیک در آنها قابل تبیین است. این رمان‌ها بر اساس تقسیم‌بندی لوکاچ، جزو رمان‌های آموزشی‌اند. در همهٔ این رمان‌ها قهرمانان به یک پختگی مردانه می‌رسند و به سبب حضور میانجی‌های تباہ‌گر دست از تلاش برمی‌دارند، ولی معیارهای جامعهٔ خود را نیز، نمی‌پذیرند. ایشان، همگی، منتقد و معترض به اوضاع نابسامان جامعه‌اند. بسیاری از قهرمانان را می‌توان نزدیک به شخصیت واقعی نویسندگان این رمان‌ها فرض کرد. برای نمونه قهرمانانی همچون مدیر، خالد و شریف را می‌توان شخصیت‌های واقعی آل احمد، احمد محمود و درویشیان دانست.

منابع و مأخذ

- ۱- آل احمد، جلال (۱۳۸۷) مدیر مدرسه، تهران، نشر جامه‌داران، چاپ چهارم
- ۲- اباذری، یوسف (۱۳۷۷) خرد جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ اول
- ۳- ابومحبوب، احمد (۱۳۸۲) «جامعه‌شناسی و رمان فارسی»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۷۰، ص ۸۰-۸۷
- ۴- اسکار پیت، روبر (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه دکتر مرتضی کتبی، تهران، نشر سمت، چاپ اول
- ۵- ایرانیان، جمشید (۱۳۵۸) واقعیت اجتماعی و جهان داستان، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول
- ۶- ایگلتون، تری (۱۳۸۳) مارکسیسم و نقد ادبی، ترجمه اکبر معصوم‌بیگی، تهران، نشر دیگر، چاپ اول
- ۷- پارکینسون، جی (۱۳۷۵) «لوکاچ و جامعه‌شناسی ادبیات»، ترجمه هاله لاجوردی، فصلنامه ارغنون، شماره ۹ و ۱۰، ص ۲۲۱-۲۳۸
- ۸- پرستش، شهرام (۱۳۸۳) «بررسی کتاب نظریه رمان جورج لوکاچ»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷۸، ص ۱۴-۱۷
- ۹- _____ (۱۳۸۸) «رمان با ظهور رنسانس و انقلاب صنعتی متولد می‌شود»، ماهنامه کانون ادبیات ایران، شماره چهارم
- ۱۰- پرهام، سیروس (۱۳۴۵) رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات، تهران، نشر نیل، چاپ سوم
- ۱۱- حجازی، محمد (۱۳۴۳) هما، تهران، نشر ابن سینا، چاپ اول
- ۱۲- چوبک، صادق (۱۳۸۲) تنگسیر، تهران، نشر نگاه، چاپ اول
- ۱۳- دانشور، سیمین (۱۳۸۰) سووشون، تهران، نشر خوارزمی، چاپ پانزدهم
- ۱۴- درویشیان، علی اشرف (۱۳۷۰) سالهای ابری، تهران، نشر اسپرک، چاپ اول
- ۱۵- زافا، میشل (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی ادبیات داستانی، ترجمه نسرين پروینی، تهران، نشر سخن، چاپ اول
- ۱۶- سلدن، رامن و پیترو ویدوستون (۱۳۷۷) راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، خرمشهر، نشر طرح نو، چاپ اول
- ۱۷- سید حسینی، رضا (۱۳۸۷) مکتب های ادبی، تهران، نشر نگاه، چاپ پانزدهم
- ۱۸- شمیسا، سیروس (۱۳۸۵) نقد ادبی، تهران، نشر میترا، ویرایش دوم چاپ اول

- ۱۹- عسگری حسنکلو، عسگر (۱۳۸۶-۸۷) «سیر نظریه‌های نقد جامعه‌شناختی ادبیات»، ادب‌پژوهی، شماره چهارم، ص ۴۳-۶۴
- ۲۰- _____ (۱۳۸۷) نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی، تهران، نشر فرزانه روز، چاپ اول
- ۲۱- علایی، مشیت (۱۳۸۰) «نقد ادبی و جامعه‌شناسی، کتاب ماه ادبیات و فلسفه»، شماره ۱۰ و ۱۱، سال چهارم، ص ۲۰-۳۳
- ۲۲- علوی، بزرگ (۱۳۸۱) چشم‌هایش، تهران، نشر نگاه، چاپ پنجم
- ۲۳- علوی، فریده (۱۳۸۳) «پژوهشی در سیر تحول رئالیسم داستانی از شارل سورل تا نیکلا رتیف»، پژوهش‌های خارجی
- ۲۴- فدرستون، مایک (۱۳۸۰) «زندگی قهرمانی و زندگی روزمره»، ترجمه هاله لاجوردی، نشر ارغنون، شماره ۱۹، ص ۱۵۹-۱۸۶
- ۲۵- گرانت، دیمیان (۱۳۷۹) رئالیسم، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم
- ۲۶- گلدمن، لوسین (۱۳۸۱) جامعه، فرهنگ، ادبیات، گزیده و ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران، نشر چشمه، چاپ سوم
- ۲۷- _____ (۱۳۸۲) نقد تکوینی، ترجمه محمدتقی غیائی، تهران، نشر نگاه، چاپ اول
- ۲۸- _____ (۱۳۷۱) جامعه‌شناسی ادبیات، ترجمه محمد پوینده، تهران، نشر هوش و ابتکار، چاپ اول
- ۲۹- لوکاج، جورج (۱۳۸۰) نظریه رمان، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، نشر قصه، چاپ اول
- ۳۰- _____ (۱۳۷۳) پژوهشی در رئالیسم اروپایی، ترجمه اکبر افسری، تهران، نشر علمی و فرهنگی، چاپ اول
- ۳۱- محمود، احمد (۱۳۵۷) همسایه‌ها، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ سوم
- ۳۲- محمودیان، محمدرفیع (۱۳۸۷) نظریه رمان و ویژگی‌های آن، تهران، نشر فرزانه روز، چاپ دوم
- ۳۳- مشایخی، مهرداد (۱۳۸۰) «جنش سوسیالیستی و پروبلماتیک وابستگی»، نمایه، نشریه گفتگو، مهر، ص ۱-۱۹
- ۳۴- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۰) صد سال داستان‌نویسی ایران، ۳ جلد در ۲ مجلد، تهران، نشر چشمه، چاپ دوم
- ۳۵- ولک، رنه (۱۳۷۷) تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران، نشر نیلوفر، چاپ اول

- ۳۶- ولی‌پور هفشجانی، شهناز (۱۳۸۶) «نگاهی به آرای جورج لوکاچ در زمینه نقد مارکسیستی»، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال ششم، شماره ۲۰، ص ۸۷-۹۸
- ۳۷- _____ (۱۳۸۷) «لوسین گلدمن و ساخت‌گرایی تکوینی»، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۱۲۹-۱۴۳
- ۳۸- هیپولیت، ژان (۱۳۷۱) پدیدار شناسی روح برحسب نظر هگل، تألیف و اقتباس کریم مجتهدی، تهران، نشر علمی و فرهنگی، چاپ اول